

## بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای در شهرستان‌های ممسنی و رستم

سهیلا لشکری<sup>۱</sup>، دکتر اصغر میرفردی<sup>۲</sup>، دکتر حبیب احمدی<sup>۳</sup>، دکتر علی‌یار احمدی<sup>۴</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۶

### چکیده:

اجتماعات سنتی با گونه‌هایی از واگرایی و همگرایی محلی روبرو هستند. با توجه به تنوع طایفه‌ای در شهرستان‌های ممسنی و رستم، این مقاله به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با واگرایی طایفه‌ای در شهرستان‌های ممسنی و رستم در سال ۱۴۰۱ پرداخته است. پژوهش حاضر از نظر روش کمی، از منظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و با روش پیمایشی انجام شد. تعداد ۴۵۰ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای در میان افراد ساکن در طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد بود. برای سنجش سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه میرفردی و ولی‌نژاد (۱۳۹۸) و برای سنجش واگرایی طایفه‌ای از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری و برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از هماهنگی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (بجز هنجارمندی) و واگرایی طایفه‌ای رابطه منفی معناداری وجود دارد. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد بین شخصی، هنجارمندی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی) و واگرایی طایفه‌ای در میان طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم روابط متفاوتی داشتند. بین واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان و واگرایی طایفه‌ای بر حسب تحصیلات تفاوت معناداری مشاهده شد و افراد با تحصیلات کمتر از واگرایی طایفه‌ای بیشتری برخوردار بودند. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای مستقل، نزدیک ۳۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمودند. نتیجه نشان داد، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کاهش واگرایی طایفه‌ای دارد.

مفاهیم کلیدی: سرمایه اجتماعی، واگرایی طایفه‌ای، شهرستان ممسنی، شهرستان رستم

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران lashkari36@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) amirfardi@shirazu.ac.ir

<sup>۳</sup> استاد بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

<sup>۴</sup> دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ahmadi.aliyar@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

از دیرباز متفکران جامعه‌شناسی چون *Marx*، *Weber* و *Parsons* در مورد عوامل و زمینه‌های ایجادکننده همگرایی، انسجام و همسازی اجتماعی به بحث و نظریه‌پردازی پرداختند. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که چطور می‌توان مردم را منسجم نمود به گونه‌ای که کمترین میزان کشمکش و ستیز و بیشترین هماهنگی را در امور اخلاقی، انسانی، هویت اعتقادی و فرهنگی داشته باشند، بحث کرده‌اند. *Durkheim* از بنیانگذاران جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه‌شناسی را توضیح و تبیین سازوکارهایی که انسجام را درون جامعه ایجاد می‌کند، تعریف کرد. بر این اساس، جامعه‌شناسی به بررسی این عوامل و سازوکارها می‌پردازد (*Durkheim, 2014: 12*). در جوامع تفکیک یافته معاصر دو نوع تعامل در ارتباط با جامعه وجود دارد: ارتباط درون‌گروهی که به رابطه فرد با اعضای گروه خودی یا «ما» اشاره دارد و رابطه برون‌گروهی که شامل ارتباط فرد با خارج از گروه خود است. هر یک از این روابط بر همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی و هویت جمعی اثرات متفاوتی را بر جای می‌گذارد. این روابط نتایج دوگانه‌ای دارد، از یک‌سو، همکاری و تفاهم بین‌گروهی سبب تقویت انسجام کل می‌شود و از سوی دیگر، همزمان باعث ایجاد تفاهم بین و انسجام محلی می‌شود (*Chalabi, 1996: 27*). قومیت یکی از شکل‌های ارتباط درون‌گروهی در جامعه است. اسمیت قوم را جمعیت انسانی می‌داند که نام متمایز آن باعث تمایز هویت فرهنگی آن از سایر اقوام می‌شود. وی هر قوم را دارای اشتراکاتی در زمینه اساطیر، نیاکان، تاریخ، فرهنگ، همبستگی و سرزمین خیالی یا واقعی می‌داند که نسبت به آن احساس وابستگی می‌کنند (*Smith, 2013: 24*).

سرمایه اجتماعی یکی از عامل‌های مهم در مناسبات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، تعامل میان جوامع انسانی، منافع و نظم جمعی را تنظیم می‌کند (*Claridge, 2018*). پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «سرمایه اجتماعی به ویژگی سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد اشاره می‌کند که همکاری و هماهنگی را برای بدست آوردن سود متقابل آسان می‌کند» (*Putnam, 2006: 95*). سرمایه اجتماعی به معنای پیوند میان گروه‌های انسانی و ایجاد اعتماد، شبکه ارتباطات و گروه‌های محلی است که هزینه‌های عمومی را کم می‌کند و احساس پیوند بین گروه‌های انسانی را بالا می‌برد (*Williams & et. al, 2022*). تعاملات و شبکه‌های اجتماعی دسترسی به منابع را فراهم می‌کند و کانال‌هایی ارتباطی را ایجاد می‌کند که از طریق آن، منابع به‌طور بالقوه می‌تواند جریان داشته باشد. سرمایه اجتماعی هم علت و هم معلول درگیر شدن در گروه‌های اجتماعی است (*Vaughan*

(*et. al, 2015*). مشارکت در گروه‌های اجتماعی مختلف دامنه سرمایه اجتماعی را در جامعه نشان می‌دهد (*Zhang, 2022; Campante, 2022*). قرار گرفتن در معرض افراد با پیشینه قومی متفاوت، اعتماد اجتماعی را از بین می‌برد (*Dinesen & Sonderskov, 2015*). به‌طور معمول در محیط‌هایی که از تنوع قومی و گروهی برخوردار هستند، نشانه‌های از عدم اعتماد نسبت به دیگر گروه‌ها و اقوام وجود دارد (*Dinesen & Sonderskov, 2018*). گروه‌ها نسبت به افراد برون‌گروه، بی‌زاری از خود نشان می‌دهند (*Olsson & et. al, 2005*). یعنی با کسانی که با خودشان تفاوت دارند، نسبت به کسانی که شباهت بیشتری دارند، اعتماد کمتری از خود نشان می‌دهند. زیرا شباهت نشانگر هنجارهای مشترک و ویژگی‌های تنظیم‌کننده رفتار است که درون هر قومیت مشاهده می‌شود. بنابراین در جامعه‌ای که از گروه‌های قومی مختلف تشکیل یافته است، اعتماد و سرمایه اجتماعی کمتر است (*Dinesen & et. al, 2020*).

نقطه عطف بررسی در ارتباط با سرمایه اجتماعی مهم بودن و تأثیر آن در فرآیند تقویت و ایجاد عناصر اجتماعی جامعه با استفاده از پیوندهای جمعی است (*Mohammadi & Mousavi Moghadam, 2019*). اقوام و گروه‌ها می‌توانند با مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری و روابط خانوادگی با دوستان در ایجاد سرمایه اجتماعی نقش فراوانی ایفا کنند. لیکن این اقوام و طایفه‌ها به دلیل ویژگی و آداب و سنت‌های خاصی که دارند از یکدیگر متمایز هستند. در هر زمانی وجوه افتراق، ارزش‌ها و اصول متناقض طوایف، می‌تواند منازعات درون‌قومی را دامن بزند. بنابراین وجود پدیده واگرایی طایفه‌ای به مثابه واقعیتی عینی و جمعی چشم‌انداز متفاوتی را بر روی سرمایه اجتماعی گشوده است.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی برخوردار است، تعدد و تنوع اقوام تشکیل‌دهنده جامعه ایران به گونه‌ای است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چند قومی بر ترکیب جمعیتی آن، از واقعیتی غیر قابل انکار خبر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لر‌ها در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد بیانگر این تنوع فرهنگی - قومی در ایران است. اگر هم‌نواپی، همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرانه را به‌عنوان قاعده کلی بر مناسبات اقوام ایرانی بپذیریم، در کنار این قاعده، برهه‌هایی نیز وجود داشته که بر این روابط سطوح مختلفی از تنش، منازعه و بحران حاکمیت پیدا کرده است (*Maqsoodi, 2001: 15*). در واقع، تقسیمات زبانی، مذهبی و سیاسی عامل مهمی در ایجاد احساس تمایز میان گروه‌های ایلی مختلف ایران بوده است. فردریک بارث در جریان مطالعه گروه‌های ایلی جنوب ایران به این

واقعیت اشاره می‌کند که یک اختلاف کوچک به آسانی منجر به این می‌شود که بخشی از ایل از آن جدا شود و واحد جدیدی را برای خود تشکیل بدهد یا به اردوی دیگری بپیوندد (Ahmadi, 1996: 64).

منطقه ممسنی که امروزه دو شهرستان ممسنی و رستم را در خود جای داده است، یکی از مناطق استان فارس است که از گذشته تحت مناسبات ایلی و عشیره‌ای بود. ایل بزرگ ممسنی شامل طایفه‌های بکش، رستم، جاوید و دشمن زیاری است که این طوایف خود به شعبات کوچک‌تری تقسیم می‌شود (Habibi Fahliani, 1992: 35). این طوایف و مرزبندی‌های سیاسی و اجتماعی میان آنها ریشه در کنش کارگزاران و خوانین قدیم ممسنی داشته است که با تقسیم قلمرو میان خود و تعیین مناطقی به‌عنوان مرز مانع از دست‌اندازی دیگران به آن می‌شدند. به نظر می‌رسد نبود ایلخان و مدیریت سیاسی واحد در راس هرم ساختار عشیره‌ای ممسنی برای تراکم و تجمیع قدرت و انسجام تمام طوایف ممسنی، شکاف میان این طوایف را تشدید می‌ساخت. گرچه پس از سقوط خوانین مرزهای عینی و فیزیکی معنای سنتی خود را از دست داده‌اند، اما مرزهای ذهنی به دلیل تشبیت در نگرش و اندیشه انسان ممسنی از تأثیرگذاری بالایی برخوردار هستند که در قوام بخشی به طایفه‌گرایی مؤثر بوده است (Zarghani & et. al, 2018). گونه‌ای از ساختار طایفه‌ای و احساس تعلق به قوم و طایفه و شکل‌گیری مرزبندی‌های مکانی و هویتی از گذشته دور به دلیل مسائل سیاسی و اجتماعی وجود داشته است که چالش‌برانگیز بوده است. در واقع، رفتارهای عشیره‌ای و طایفه‌ای که در قدیم بر مبنای رویارویی فیزیکی و جنگ میان طوایف بود، در عصر جدید نوسازی و چارچوب ساختار مدرن، کار ویژه سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است. تحقیقات نشان می‌دهد در پاره‌ای موارد حاکم بودن ساختارها و ایستارهای طایفه‌ای در بین نخبگان و نمایندگان منتخب در این منطقه باعث شده است که در انتخاب افراد برای سمت‌های اداری و اجرایی و مدیریتی، هر یک از این افراد، گروه و طایفه خود را در اولویت قرار داده و بحث شایسته‌سالاری به حاشیه رانده شود. مجموعه‌ای از پژوهش‌ها نشان دادند که گرایش‌های طایفه‌ای بر رفتار سیاسی در انتخابات ملی و محلی تأثیر دارند (Mirfardi, 2000; Gorjizadeh and Golperor, 2011; Sejasi gheidari & et. al., 2015 and Romina and Sadeghi, 2015).

مطالعات گوناگون نشانگر، تمایزات و رقابت‌های طایفه‌ای در منطقه ممسنی است که می‌تواند بر سیر تحولات اقتصادی و اجتماعی آن اثرگذار باشد. ایجاد هر گونه تغییر و تحول در ابعاد مهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و گام گذاشتن در مسیر توسعه در شهرستان‌های

ممسنی و رستم، نیازمند شناخت شکل کامل‌تری از رابطه سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای است. با توجه به اینکه شناخت علمی درباره میزان واگرایی طایفه‌ای در شهرستان‌های ممسنی و رستم وجود ندارد، این پژوهش بر آن است تا به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و واگرایی در شهرستان‌های ممسنی و رستم بپردازد. این مطالعه در منطقه با تنوع طایفه‌ای که در چند دهه گذشته رقابت‌های شدید طایفه‌ای در عرصه‌های سیاسی و اداری را تجربه نموده است، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

سرور و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و احساس همگرایی قومی در شهر ارومیه، میان قوم ترک و کرد به انجام رساندند. نتایج این پژوهش نشان داد بین سرمایه اجتماعی و همگرایی اقوام ترک و کرد رابطه معناداری وجود دارد. بین ابعاد سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همیاری و تعاون اجتماعی با همگرایی قومی رابطه معناداری وجود داشت اما بین اعتماد اجتماعی و همگرایی اقوام ترک و کرد رابطه معناداری مشاهده نشد (Seror & et. al, 2013).

نقدی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی تحت عنوان بررسی جامعه‌شناختی همگرایی قومیت‌های (فارس، ترک و لر) در استان همدان به انجام رساندند. نتایج این پژوهش نشان داد، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی شامل، میزان سرمایه اجتماعی، میزان پذیرش اصول شهروندی، میزان رضایت‌مندی از زندگی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، سن، وضعیت فرهنگی و ارتباطی افراد، میزان احساس محرومیت نسبی، میزان دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و عدم ارتباط بین وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و خاستگاه اجتماعی افراد با میزان همگرایی قومی بوده است (Naghdi & et. al, 2014).

باصری و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سرمایه اجتماعی و همگرایی قومیتی در استان آذربایجان غربی به انجام رساندند. نتایج این پژوهش نشان داد، میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد مطالعه در سطح متوسط به پایین و همگرایی قومی در سطح مناسب‌تری نسبت به سرمایه اجتماعی قرار دارد. نتیجه اصلی این مطالعه نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی و همگرایی قومی در بین افراد مورد مطالعه وجود دارد (Basri & et. al, 2016).

جزینی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی تحت عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء همبستگی ملی با رویکرد تقویت سرمایه اجتماعی را به انجام رساندند. در این پژوهش تأثیر پنج عامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی - مذهبی و فرهنگی بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی مورد مطالعه واقع شد. نتایج نشان داد که هر پنج عامل مطرح بر ارتقاء همبستگی ملی و تقویت سرمایه اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار هستند و هیچ تفاوت معناداری در نظرات پاسخ‌دهندگان از لحاظ جنسیت، قومیت و مذهب وجود نداشت (Jezini & et. al, 2017).

ایمان و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی همسازی اجتماعی گروه‌های قومی در افغانستان را انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین احساس محرومیت نسبی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی، مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی با همبستگی اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد (Iman & et. al., 2019).

صفایی و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی نقش عوامل سیاسی و اجتماعی (طرح‌واره‌های قومیتی) مؤثر بر ایجاد همگرایی در میان گروه‌های قومی ساکن در شهر اهواز انجام دادند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای نظارت اجتماعی و قومیت و امنیت اجتماعی و تحصیلات، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و احساس محرومیت نسبی و تنوع قومی با همگرایی قومی رابطه معناداری وجود دارد اما بین متغیرهای سن، جنسیت و وضعیت تأهل با همگرایی قومی رابطه معناداری گزارش نشد (Safaei & et. al, 2021).

باقری و همکاران (۱۴۰۱)، پژوهشی تحت عنوان الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر هم‌گرایی بین‌قومی در شهر اهواز انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیر سرمایه فرهنگی، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، قوم‌گرایی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر همگرایی بین قومی در میان پاسخگویان رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین، نتایج الگوسازی معادله‌های ساختاری نشان داد، متغیر سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر را بر متغیر همگرایی بین قومی دارد و در مرتبه بعد متغیرهایی چون قانون‌گرایی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، قوم‌گرایی، اعتماد اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی قرار گرفتند (Bagheri & et. al, 2022).

**ب) تحقیقات خارجی**

*Lawrence (2011)* در پژوهشی تحت عنوان تأثیر تنوع قومی بر پیوستگی اجتماعی: یک تحقیق چند سطحی سرمایه اجتماعی و روابط قومی در بین جوامع انگلیسی به انجام رساند. در این پژوهش موقعیت موقعیت اجتماعی - اقتصادی چون (درآمد، سطح تحصیلات، مالک خانه بودن، شغل و بیکاری) نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی عنوان شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد میان تفاوت و تنوع و سرمایه اجتماعی رابطه منفی وجود دارد و هر چه سطح ناهمگنی قومی در جامعه افزایش یابد سرمایه اجتماعی در آن جامعه کاهش پیدا می‌کند.

*Vaughan & et. al (2015)* پژوهشی تحت عنوان نقش سرمایه اجتماعی و قومیت در توسعه به انجام رساندند. در این پژوهش اگر چه الگوی قابل توجهی از همگرایی قومی و مذهبی نشان داده شد. اما هیچ ارتباطی بین این عوامل و موفقیت یافت نشد. سطوح پایین‌تر سرمایه اجتماعی که واسطه تعامل با همسالان و پزشکان است ممکن است علت عملکرد ضعیف دانشجویان اقلیت قومی باشند و به دلیل همگرایی قومی دانش‌آموزان اقلیت ممکن است از منابع بالقوه و بالفعل که یادگیری و پیشرفت را تسهیل می‌کند، محروم باشند.

*Tatarko & et. al (2017)* پژوهشی تحت عنوان «تنوع قومی و سرمایه اجتماعی در بافت» به بررسی رابطه تنوع قومی و سرمایه اجتماعی انجام دادند. نتایج پژوهش فرضیه پاتنام را تأیید نکرد و نشان داد تنوع قومی، همان‌طور که در آخرین سرشماری ملی جمعیت در روسیه نشان داده شد با سرمایه اجتماعی در روسیه رابطه معنی‌داری ندارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده شد که نظریه پاتنام اعتبار جهانی ندارد به این دلیل که پیوند بین تنوع قومی و سرمایه اجتماعی توسط ویژگی‌های منطقه‌ای مختلف تعدیل می‌شود.

*Zhou & Yang (2022)* پژوهشی تحت عنوان تجربیات و الگوهای ادغام متفاوت: مهاجران چینی در کلان‌شهر لس‌آنجلس انجام دادند. این مطالعه بر اساس یک نظرسنجی آنلاین و مصاحبه عمیق با مهاجران چینی در شهر لس‌آنجلس بر اساس دو سؤال اساسی مورد بررسی قرار گرفت. (۱) مهاجران چینی چه نظری در مورد ادغام شدن هويت دارند. (۲) چرا الگوی همگرایی و واگرایی به‌طور همزمان درون یک گروه قومی ظهور می‌کند. نتایج این تحقیق نشان داد اگر چه چینی‌های مهاجر به‌عنوان یک گروه، از لحاظ اقتصادی به خوبی در جامعه میزبان ادغام شده‌اند ولی در مورد تجربیات زندگی‌شان به خوبی با مدل همسان‌سازی مطابقت ندارد.

*Puz (2023)* پژوهشی تحت عنوان پیامدهای درازمدت تضاد قومی بر سرمایه اجتماعی: شواهدی از آفریقا انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد، که درگیری‌های قومی در طول تاریخ اتحاد معاصر مردم را در میان افراد ساکن در مرزهای مفکان کاهش داده ضمن اینکه اعتماد به بستگان و همسایگان را افزایش داده است و سطوح بالای اعتماد درون‌گروهی ناشی از تدوام درازمدت نوع دوستی محلی است. در مقابل، سطوح پایین‌تر اعتماد بین‌گروهی را می‌توان فقدان انگیزه برای همکاری با غریبه‌ها در مناطق جنگی سابق توضیح داد. این نتایج حاکی از جایگزینی بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی در جامعه است.

با مروری در پیشینه مطالعاتی می‌توان گفت مطالعات اندکی در زمینه ارتباط بین واگرایی قومی و درون‌قومی در کشورهای مختلف انجام گرفته است و کمبود پیشینه مطالعاتی در این زمینه وجود دارد. مطالعات داخلی که در زمینه واگرایی قومی صورت گرفته است ضمن دادن اطلاعاتی در زمینه موضوع مورد نظر، این پژوهش را در زمینه تعیین متغیرها و ساختن مدل نظری یاری رساند اما این مطالعات ارتباط سرمایه اجتماعی و واگرایی را بصورت بین‌قومی، یعنی بین دو یا چند قومیت بررسی کرده‌اند. در مطالعات انجام گرفته خلأ محسوس انجام مطالعاتی در زمینه سرمایه اجتماعی و واگرایی درون قومی وجود دارد. ممسنی به دلیل برخورداری از طوایف متعدد این خلأ کاملاً محسوس و آشکار است و نوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این شهرستان از پشتوانه نظری و مطالعاتی برخوردار نیست. بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از کمبودهای مطالعاتی در ادبیات پژوهش و بررسی نقاط قوت و ضعف آن‌ها به تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای در شهرستان‌های ممسنی و رستم پرداخت.

### مبانی نظری و چارچوب پژوهش

بحث در مورد سرمایه اجتماعی نخستین بار توسط *Hanifan* در سال ۱۹۱۶ در آمریکا در دانشگاه ویرجینیای غربی عنوان شد اما استفاده از آن در حوزه پژوهش‌های اجتماعی توسط *Jacobs* مطرح شد (*Jacobs, 2000: 144 & Kemp, Hanifan, 1916*). سرمایه اجتماعی در ابتدا در نظریه‌های اجتماعی، از ایده گسترش روابط اجتماعی نشأت گرفت و سرمایه اجتماعی به‌عنوان منابعی تعریف شد که به مردم کمک می‌کند که به‌طور مؤثر عمل کنند (*Bayraktar, 2024*). در سنت جامعه‌شناسی سرمایه اجتماعی به‌عنوان دسترسی به منابع تعبیه شده در شبکه‌های بین‌شخصی، تعریف شد. دانشمندان این تعریف را گسترش دادند تا ساختارهای اجتماعی گسترده‌تر مانند شهر و کشور را نیز در بر بگیرد. تجلی جمعی



آن از طریق مشارکت در زندگی اجتماعی، ایجاد هنجارهای اعتماد، همکاری متقابل و ذهنیت مدنی است (Diemer, 2024).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که تعامل میان جوامع انسانی را جهت منافع و نظم جمعی تنظیم می‌کند (Claridge, 2018). ویلیام و همکارانش (۲۰۲۲)، سرمایه اجتماعی را به معنی پیوندهای بین گروه‌های انسانی که با ایجاد اعتماد، شبکه و گروه‌های محلی، هزینه‌های عمومی را پایین می‌آورند و احساس امنیت را افزایش می‌دهند، تعریف می‌کنند (William & et. al, 2022). سامسون و گرایف (۲۰۰۹)، معتقدند سرمایه اجتماعی ضمن اثر کنترلی در جامعه، توسعه ساختارهای اجتماعی چون اجتماع محلی، کانال‌های ارتباطی، مشارکت مدنی، اعتماد بین افراد را تقویت می‌کند (Sampson & Graif, 2009).

دیدگاه‌های مطرح شده در مورد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داد (Krishna & Schrader, 1999: 47). در سطح کلان و میانه سرمایه اجتماعی را حکومت، قواعد حقوقی و کارکرد نهادها را می‌سازد. سطح خرد سرمایه اجتماعی را تعاملات میان خانوار و افراد ایجاد می‌کند (Svendsa, 2006). دیدگاه‌های Coleman, Putnam, Bourdieu, Fukuyama و در مورد سرمایه اجتماعی نزدیکی فراوانی با یکدیگر دارند که همه آنها را می‌توان در رویکرد شبکه‌ای جای داد و به محورهای سه‌گانه ذیل در سرمایه اجتماعی تأکید دارد. اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعلق اجتماعی.

کلمن از بنیانگذاران نظریه سرمایه اجتماعی است. تحلیل کلمن از سرمایه اجتماعی محور دو رویکرد است: الف) تحلیل ساختاری که در جنبه‌هایی چون تعهدات اجتماعی، هنجارها و قوانین متجلی می‌شود. ب) اصل اقتصادی، کنش عقلانی فرد است (Shaffer & McDaniel, 2004: 15). کلمن سرمایه اجتماعی را مانند دیگر اشکال سرمایه، مولد می‌داند. به نظر وی سرمایه اجتماعی بخشی از ساخت اجتماعی و تسهیل‌کننده کنش‌های کنشگران، درون ساخت اجتماعی است. سرمایه اجتماعی با گسترش روابط متقابل و همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی منجر به کاهش هزینه‌ها برای دسترسی به اهداف معین می‌شود. هدف‌هایی که در صورت نبود سرمایه اجتماعی منجر به اتلاف وقت و هزینه زیاد برای دستیابی به آن می‌شد (Coleman, 2011: 118).

پاتنام سرمایه اجتماعی به شکل یک پدیده فرهنگی تعریف می‌کند که میزان ذهنیت مدنی<sup>۱</sup> اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به

<sup>۱</sup> civil mentality

نهادهای عمومی را در بر می‌گیرد (Putnam, 1993). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌کند: الف) شبکه‌ها، روابط بین افراد و تعاملات آنان، اعم از رسمی و غیر رسمی که درون هر جامعه‌ی اعم از سنتی و مدرن وجود دارد. ب) هنجارهای همیاری، مولدترین جزء سرمایه اجتماعی است و آن را ملاک سرمایه اجتماعی می‌داند که از اصلی‌ترین مزایای آن کاهش هزینه معاملات، افزایش همکاری و ایجاد اعتماد است. ج) اعتماد، از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی رفتار دیگران است که از طریق آشنایی با دیگران حاصل می‌شود (Putnam, 1993).

وی به‌طور مشخص بر تمایز سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (پیوندی) و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (پل‌زننده) تأکید می‌کند. سرمایه اجتماعی پیوندی به روابط درون گروه‌های همگن، مانند سازمان‌های اخوت و قلمروهای قومی اشاره دارد. در مقابل سرمایه اجتماعی پل‌زننده، ناهمگن‌تر بوده و شکاف اجتماعی متنوع‌تری را در بر می‌گیرد. پاتنام معتقد است که این نوع سرمایه اجتماعی در ارتباط با دارایی بیرون از شبکه برای توزیع اطلاعات کاربرد دارد (Putnam, 2000: 22-23). پاتنام معتقد است هر چند تنوع قومی در طولانی مدت فواید اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی زیادی دارد اما در کوتاه‌مدت سبب کاهش سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی می‌شود. وی معتقد است که تنوع قومی موجب فرسایش سرمایه اجتماعی مانند اعتماد به نهادهای اجتماعی دولتی، مشارکت در نهادهای داوطلبانه، مشارکت در طرح‌های اجتماعات محلی می‌شود (Putnam, 2007: 148-150).

فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه از ارزش‌های غیر رسمی و هنجارهایی می‌داند که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میان‌شان وجود دارد، در آن سهیم هستند. از نظر فوکویاما مشارکت در هنجارها و ارزش‌ها به خودی خود سرمایه اجتماعی را تولید نمی‌کند چون ممکن است این ارزش‌ها کارکرد منفی داشته باشند. اما هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند، مانند عمل به تعهدات، ارتباطات دو جانبه و صداقت می‌توانند میان گروه محدودی از افراد وجود داشته باشد نه در میان همه افراد جامعه، در حالی که سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد و به شیوه متفاوتی می‌تواند، توزیع شود (Fukuyama, 2000: 11-12). فوکویاما عواملی مانند هنجارهای نشأت گرفته از طبیعت، ساختمان‌داری خود جوش، ساخت‌یابی بیرونی و هنجارهای نهادی را از جمله عواملی می‌داند که سبب شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی تعاونی و جمعی می‌شود. وی اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را هنجارهای خانواده و اجتماعی می‌داند (Fukuyama, 2021: 320-321).

طبق نظر فوکویاما در سیستم‌های بسته که ارتباط با بیرون کم است سطح سرمایه اجتماعی پایین است. بر این اساس گروه‌های منسجم که دارای تعداد زیادی اعضا هستند که به یکدیگر اعتماد دارند، اگر نتوانند با گروه‌های دیگر ارتباط برقرار کنند، دارای رشد و حیات طبیعی نیستند و نمی‌توانند از فرصت‌های موجود در محیط خود استفاده کنند و به دلیل ناهماهنگی با محیط بیرونی دچار مشکلات زیادی می‌شوند؛ بنابراین به نظر فوکویاما جامعه که دارای گروه‌های منسجم با تعداد زیادی از اعضا که منسجم هستند و نسبت به هم اعتماد و همکاری دارند از سرمایه اجتماعی قوی برخوردار است (Salehi Amiri, 2006: 41).

بوردیو سرمایه اجتماعی را شبکه، از روابط گروهی و فردی می‌داند که کنشگران آن را با عضویت درون شبکه‌های اجتماعی کسب می‌کنند و در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی منجر به کسب احترام و مقبولیت اجتماعی می‌شود (Bourdieu, 2021: 248). پیوندهای بادوام و متراکم برای بوردیو جایگاه ویژه‌ای دارد. به نظر وی سرمایه اجتماعی هر شخص به میزان مالکیت روابط و سرمایه (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) بستگی دارد که افراد به شکل تأثیرگذاری آن را سازماندهی می‌کنند. مشارکت افراد در گروه‌های اجتماعی منجر به کسب منفعت و همبستگی می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از طریق مبادلات اجتماعی موجب دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی می‌شود. تأکید بوردیو عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی و کسب منابع و امکانات است (Bourdieu, 2021: 244-245).

گرانووتو تئوری پیوند ضعیف را مطرح کرد و معتقد است که سرمایه اجتماعی را می‌توان از نظر شمولیت و شدت تکرار و انواع گوناگون روابط میان همکاری‌ها و دوستی‌ها مورد بررسی قرار داد. به نظر گرانووتو شدت و استحکام ارتباط درون یک گروه اجتماعی، سبب تضعیف روابط افراد آن گروه با افراد بیرون از گروه می‌شود. به‌طور کلی به نظر وی روابط منسجم بین افراد یک گروه، منجر به تضعیف روابط با اعضای گروه بیرونی شده و سطح سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. در مقابل، ارتباطات ضعیف درون گروهی سبب تشکیل روابط اعضا با گروه بیرونی می‌شود و سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند (Siebert & Linden, 2001: 27).

برای چارچوب پژوهش از نظریه پاتنام و فوکویاما استفاده شد. طبق نظر فوکویاما در سیستم‌های بسته که ارتباط با بیرون کم است، سطح سرمایه اجتماعی پایین است (Salehi Amiri, 2006: 41). بر این اساس، گروه‌های منسجم قومی و طایفه‌ای که از اعتماد درون گروهی قوی برخوردارند، در صورت نداشتن تعامل با گروه‌های دیگر و ضعف اعتماد به آنها، دچار گونه‌ای واگرایی نسبت به گروه‌های دیگر می‌شوند. پاتنام سرمایه پیونده‌دهنده را پیوندهای قوی موجود در شبکه‌های همگن متراکم و مشابه چسپ قوی اجتماعی می‌داند

که این وفاداری قوی درون‌گروهی، دارای پیامدهای منفی، همچون محروم کردن افراد بیرون از شبکه یا سرکوب آزادی اعضای شبکه است (Putnam, 2000: 22-23). به عقیده پاتنام، تنوع قومی، انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد و در اجتماعی که دارای شکل‌های متفاوت تنوع قومی است، مردم گرایشی به ارتباط با اقوام دیگر ندارند و افراد یک قومیت به قومیت‌ها و گروه‌های دیگر بی‌اعتماد می‌شوند. او معتقد بود که تنوع قومی موجب فرسایش سرمایه اجتماعی و عناصر آن همچون اعتماد به نهادهای اجتماعی دولتی، مشارکت در نهادهای داوطلبانه، مشارکت در طرح‌های اجتماعات محلی می‌شود (Putnam, 2007: 148-150). بنابراین بر پایه نظریه پاتنام و فوکویاما، فرضیه‌ای درباره رابطه سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای طرح شد.

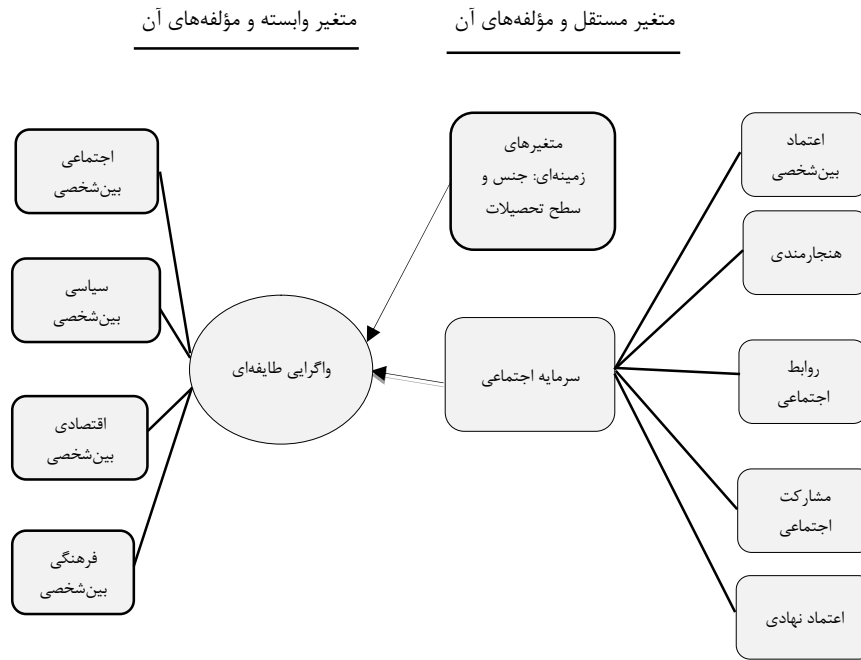
### فرضیه‌های پژوهش

#### فرضیه اصلی

- به نظر می‌رسد بین میزان سرمایه اجتماعی اعضاء طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم و میزان واگرایی طایفه‌ای رابطه وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی

- به نظر می‌رسد بین میزان واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم تفاوت وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان واگرایی طایفه‌ای اعضاء طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم با توجه به سطح تحصیلات آن‌ها تفاوت وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان واگرایی طایفه‌ای اعضاء طوایف ساکن در شهرستان‌های ممسنی و رستم با توجه به سطح تحصیلات آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
- افزون بر سرمایه اجتماعی، رابطه ابعاد آن (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، هنجارمندی، روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با واگرایی طایفه‌ای مورد تحلیل قرار می‌گیرند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش  
**Figure 1: Conceptual Model of the Research**

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع پیمایش و مقطعی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی افراد ۲۰ سال به بالا در شهرستان‌های ممسنی و رستم بود که از پنج طایفه بکش، رستم، جاوید، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی تشکیل شده است. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد افراد در شهرستان ممسنی ۱۱۷،۵۲۷ نفر و شهرستان رستم ۴۴،۳۸۶ نفر بوده است. که از این تعداد بر طبق آمار مرکز آمار ایران تعداد ۸۲۴،۱۰۲ نفر بالای ۲۰ سال سن دارند که جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند (Iran Statistics Center, 2016). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۳ نفر تعیین شد. برای افزایش دقت و جبران ریزش در فرآیند پاسخگویی و پوشش مناطق مختلف شهرستان‌های ممسنی و رستم به ۴۵۰ نفر ارتقا یافت. در این پژوهش از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. ابزار

گردآوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و میدانی بود. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه ساختمان با سؤالات بسته یا چندگزینه‌ای در قالب طیف لیکرت و چندگزینه‌ای طراحی شد. برای سنجش متغیر واگرایی طایفه‌ای از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته و برای سنجش سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه به کار گرفته شده توسط میرفردی و ولی‌نژاد (۱۳۹۸)، استفاده شد. جهت تعیین اعتبار مقیاس سرمایه اجتماعی از اعتبار صوری و جهت تعیین اعتبار مقیاس واگرایی طایفه‌ای از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی استفاده شد. مقادیر آزمون کفایت نمونه گیری  $K-M-O$  (۰/۸۷۶) و سطح معنی‌داری آزمون بارتلت (۰/۰۰۰) نشان داد که داده‌ها پیش‌فرض ویژگی‌های لازم برای انجام آزمون تحلیل عاملی را دارا هستند. جهت تعیین پایایی مقیاس‌های پژوهش از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس واگرایی طایفه‌ای ۰/۸۵ و سرمایه اجتماعی ۰/۸۳ بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش آماری متداول برای دو دسته آمارهای توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار *SPSS* نسخه ۲۶ انجام گرفت.

### تعریف مفاهیم

#### سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل)

فوکویاما نشان داد بسیاری از مفاهیم به جای مفهوم سرمایه اجتماعی به آشکارسازی سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. وی سرمایه اجتماعی را تعامل و هماهنگی و داخلی جامعه، ارزش‌ها و هنجارها و تعاملات با سازمان‌ها و مردمی که در درون جامعه قرار دارند، می‌داند. فوکویاما، سرمایه اجتماعی را مانند زنجیری می‌داند که اجزاء مختلف جامعه را به هم وصل می‌کند و بدون آن، جامعه فرو می‌پاشد و رشد اقتصادی نخواهد داشت (Fukuyama, 2001:7). برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از پرسشنامه به کار گرفته شده توسط میرفردی و ولی‌نژاد (Mirfardi and Valinezhad, 2019) بهره‌گیری شد. مقیاس به کار گرفته شده بر اساس طیف لیکرت است که سرمایه اجتماعی را در پنج بعد اعتماد بین‌شخصی، هنجارمندی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی مورد بررسی قرار داده است. گزینه‌های پاسخ به ابعاد اعتماد بین‌شخصی، هنجارمندی، و روابط اجتماعی در پنج گزینه «کاملاً مخالفم»، «نسبتاً مخالفم»، «نظری ندارم»، «نسبتاً موافقم» و «کاملاً موافقم» است. گزینه‌های پاسخ به ابعاد مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی در پنج گزینه «خیلی کم»، «نسبتاً کم»، «متوسط»، «نسبتاً زیاد» و «خیلی زیاد» است.

جدول ۱: گویه‌های سنجش متغیر سرمایه اجتماعی

Table 1: Variable Measurement Items of Social Capital

ردیف	ابعاد سرمایه اجتماعی	تا چه اندازه با جمله‌های زیر موافقت می‌کنید؟
Row	Dimensions of Social Capital	How Much Do You Agree with the Following Statements?
۱	اعتماد بین شخصی	اقوام و خویشان خود را قابل اعتماد می‌دانم
۲		به نظر من بیشتر مردم قابل اعتماد هستند
۳		آدم تا از کسی بدی ندیده، باید به وی اعتماد کند
۴	هنجارمندی	مردم ما قانون را رعایت می‌کنند، حتی اگر به ضررشان باشد
۵		مردم ما حتی اگر کسی بالای سرشان نباشد، قانون را رعایت می‌کنند
۶		فکر می‌کنم در جامعه ما، کسانی که قانون را رعایت نمی‌کنند، موفق‌ترند
۷	روابط اجتماعی	مردم منطقه ما به راحتی با همدیگر کنار می‌آیند
۸		مردم منطقه ما رابطه خوبی با یکدیگر دارند
۹		مردم منطقه ما اغلب به دیدن همدیگر می‌روند
ردیف	ابعاد سرمایه اجتماعی	نظر خود را درباره هر یک از موارد زیر مشخص نمایید
Row	Dimensions of Social Capital	Specify Your Opinion About Each of the Following Items
۱۰	مشارکت اجتماعی	تا چه اندازه در برنامه‌های دسته‌جمعی مثل پیاده‌روی‌ها، کوهنوردی‌ها و ... شرکت می‌کنید؟
۱۱		چقدر در جشن‌های عمومی مثل کمک به ایتم، جشن عاطفه‌ها، جشن گلریزان و ... شرکت می‌کنید؟
۱۲		در طول سه سال گذشته، تا چه اندازه در مؤسسات محلی ارائه‌دهنده خدمات امدادی و اورژانسی شرکت داشته‌اید؟
۱۳	اعتماد نهادی	تا چه اندازه به کارمندان دولتی اعتماد دارید؟
۱۴		تا چه اندازه به کسبه و بازاریان اعتماد دارید؟
۱۵		تا چه اندازه به قضات و مأمورین پلیس اعتماد دارید؟

واگرایی طایفه‌ای

طایفه عبارت است از یک واحد سیاسی متشکل از تعدادی تیره که مشخص‌ترین و مهم‌ترین رده از سلسله مراتب ایلی عشایر است و واحدهای تشکیل‌دهنده آن غالباً با نام طایفه خود شناخته می‌شود. فرد عشایر در بیان وابستگی و تعلقش غالباً از طایفه خود نام می‌برد. وجود طایفه در میان عشایر عمومیت دارد در حالی که تقسیمات بالاتر از آن مانند ایل یا پایین‌تر مانند تیره، تش، اولاد در همه جا دیده می‌شود (Rahmanzadeh Heravi, 2013:96). معمولاً در میان افراد و گروه‌های یک قلمرو جغرافیایی که دارای نژاد، زبان و

آداب و رسوم مشترک باشند نوعی احساس همبستگی قومی شکل می‌گیرد که نسبت به خودی احساس همدردی و نسبت به دیگران احساس بیگانگی ایجاد می‌کند که از دیدگاه علوم اجتماعی احساس همدردی را می‌توان همگرایی و احساس بیگانگی را می‌توان واگرایی تلقی کرد (Saeif Elahi & Bastami, 2013). مقیاس به کار گرفته شده برای سنجش واگرایی طایفه‌ای، مقیاس محقق ساخته بر اساس طیف لیکرت است که واگرایی طایفه‌ای را در چهار بعد، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است. گزینه‌های پاسخ به این ابعاد در پنج گزینه «خیلی کم»، «نسبتاً کم»، «متوسط»، «نسبتاً زیاد» و «خیلی زیاد» است.

#### جدول ۲: گویه‌های سنجش متغیر واگرایی طایفه‌ای

**Table 2: Items to Measure the Tribal Divergence Variable**

ردیف	پاسخ خود را درباره هر یک از موارد زیر مشخص سازید	ابعاد واگرایی طایفه‌ای
Row	Specify Your Answer for Each of the Following Items	Dimensions of Tribal Divergence
۱	به چه میزان تمایل به برگزاری جلسه‌های هم‌اندیشی و گفتگو با افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم برای حل مسائل منطقه را دارید؟	اجتماعی
۲	تا چه میزان کمک به دیگر طوایف برای رفع مشکلاتشان را وظیفه خود می‌دانید؟	
۳	در مواقع بروز حوادث غیر مترقبه، تا چه اندازه به افراد طوایف دیگر شهرستان‌های ممسنی و رستم که دچار آسیب شده‌اند، کمک می‌کنید؟	
۴	به چه میزان در زندگی روزمره‌تان (مثلاً در معامله، نسیه دادن، امانت دادن و ...) به افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم اعتماد دارید؟	
۵	به چه میزان برای سکونت، تمایل به همسایگی با اهالی دیگر طوایف ممسنی و رستم دارید؟	
۶	اگر بخواهید شغل جدیدی بدست آورید تا چه میزان تمایل دارید با افرادی از طوایف دیگر شهرستان‌های ممسنی و رستم همکار باشید؟	
۷	به چه میزان موافق ازدواج سببی خود و یا بستگان نزدیکتان با افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم هستید؟	
۸	به چه میزان اعتقاد به انتخاب افرادی شایسته از طوایف دیگر، در سمت‌های مدیریتی و اجرایی برای شهرستان‌های ممسنی و رستم را دارید؟	سیاسی
۹	به چه میزانی تمایل دارید در انتخابات شرکت کنید، حتی اگر فردی از طایفه شما در میان نامزدهای انتخاباتی نباشد؟	
۱۰	به چه میزانی علاقه‌مند به انتخاب فردی شایسته از طوایف دیگر	



ردیف	پاسخ خود را درباره هر یک از موارد زیر مشخص سازید	ابعاد واگرایی طایفه‌ای
Row	Specify Your Answer for Each of the Following Items	Dimensions of Tribal Divergence
	شهرستان‌های ممسنی و رستم در انتخابات مجلس و شورای شهر هستید؟	
۱۱	به چه میزان به تصمیمات محلی بزرگان و ریش سفیدان دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم در زمینه موضوع‌های اجتماعی و سیاسی احترام می‌گذارید؟	
۱۲	تا چه اندازه دوست دارید در رقابت‌های طایفه‌ای، فردی از طایفه‌تان به سمت نمایندگی مجلس، شورای شهر و یا منصب مهم سیاسی و اجرایی برسد، حتی اگر از سیاسی با وی هم عقیده نباشید؟	
۱۳	اگر سمت و جایگاهی در شهرستان‌های ممسنی و رستم داشته باشید، تا چه اندازه پیگیری منافع طایفه خود را نسبت به طوایف دیگر در اولویت قرار می‌دهید؟	
۱۴	به چه میزان اعتقاد به ایجاد فرصت‌های شغلی برابر و درآمد عادلانه برای افراد طوایف دیگر شهرستان‌های ممسنی و رستم را دارید؟	اقتصادی
۱۵	به چه میزان تمایل به وجود روابط کاری و تجاری با افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم دارید؟	
۱۶	به چه میزان تمایل به شراکت تجاری و معاملات متعدد اقتصادی با افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم هستید؟	
۱۷	اگر در یکی از مراکز توزیع امکانات فعالیت داشته باشید، به چه میزان تمایل دارید که این خدمات را بیشتر به افراد طایفه خود اختصاص دهید؟	
۱۸	برای خرید روزانه به چه میزان ترجیح می‌دهید که از فروشگاه‌هایی خرید کنید که متعلق به افرادی از طایفه خودتان باشد؟	
۱۹	به چه میزان به آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم احترام می‌گذارید؟	
۲۰	به چه میزان در مراسمات شادی و عزای دیگر شهرستان‌های ممسنی و رستم شرکت می‌کنید؟	
۲۱	در تجربه عینی‌تان به چه میزان افراد دیگر طوایف شهرستان‌های ممسنی و رستم را در رعایت اصول اخلاقی جدی دیده‌اید؟	فرهنگی
۲۲	به چه میزان به گذشته تاریخی، شخصیت‌های تاریخی و آداب و رسوم به ارث رسیده از طایفه خود اهمیت می‌دهید و در برابر طوایف دیگر آن را تبلیغ می‌کنید؟	

## یافته‌های پژوهش

## الف) یافته‌های توصیفی

اطلاعات جدول ۲ نشانگر این است که بیشترین نسبت از پاسخگویان، مربوط به مردان (۵۹/۶ درصد) بوده است.

## جدول ۳: فراوانی و درصد فراوانی جنسیت

Table 3: Frequency and Frequency Percentage of Gender

درصد فراوانی	فراوانی	
Frequency	Abundance	
۴۰/۴	۱۸۲	زن
۵۹/۶	۲۶۸	مرد
۱۰۰/۰	۴۵۰	جمع کل

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بیشتر افراد شرکت‌کننده در پژوهش (۴۱/۳ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند، کمترین سهم (۳/۱ درصد) نیز مربوط به تحصیلات بی‌سواد و ابتدایی بوده است.

## جدول ۴: فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات

Table 4: Frequency and Percentage of Education Level

درصد فراوانی	فراوانی	
Frequency	Abundance	
۳/۱	۱۴	بی‌سواد و ابتدایی
۷/۳	۳۳	راهنمایی و زیردیپلم
۱۵/۱	۶۸	دیپلم
۱۳/۱	۵۹	فوق دیپلم
۴۱/۳	۱۸۶	لیسانس
۲۰/۰	۷۵	فوق لیسانس و دکتری
۱۰۰/۰	۴۵۰	جمع کل

متغیر واگرایی طایفه‌ای در بردارنده ۲۲ گویه است، که میانگین طیف آن برابر با ۶۶ است. میانگین مشاهده شده از کل گویه‌ها برابر با ۷۶/۰۱ است که از میانگین مورد انتظار (۶۶) بیشتر است. در واقع میزان واگرایی طایفه‌ای در بین طوایف ممسنی از میانگین مورد انتظار بیشتر است. همچنین در خصوص ابعاد واگرایی طایفه‌ای میانگین واقعی همه ابعاد بیشتر از میانگین مورد انتظار است.

جدول ۵: داده‌های متغیر واگرایی طایفه‌ای  
 Table 5: Data of Tribal Divergence Variable

ابعاد واگرایی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین طیف	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
<i>Dimensions of Divergence</i>	<i>Number</i>	<i>Average</i>	<i>The Standard Deviation</i>	<i>Average Spectrum</i>	<i>The Least</i>	<i>The Most</i>	<i>Crookedness</i>	<i>Elongation</i>
واگرایی طایفه‌ای	۳۷۰	۷۶/۰۱	۱۴/۰۶	۶۶	۲۲/۰۰	۱۱۰/۰۰	-۱/۶۲۲	۱/۵۶۲
واگرایی اجتماعی	۴۰۴	۲۳/۹۱	۵/۸۴	۲۱	۷/۰۰	۳۵/۰۰	-۳/۲۲	-۱/۱۳۴
واگرایی سیاسی	۴۱۶	۱۹/۸۵	۴/۹۲	۱۸	۶/۰۰	۳۰/۰۰	-۳/۸۹	۰/۰۲۷
واگرایی فرهنگی	۴۲۵	۱۴/۸۸	۰/۱۵۴	۱۲	۴/۰۰	۲۰/۰۰	-۱/۶۰۲	۰/۸۳۶
واگرایی اقتصادی	۴۱۳	۱۷/۴۴	۴/۱۸	۱۵	۵/۰۰	۲۵/۰۰	۱/۰۸۰	۱۰/۹۲۲

متغیر سرمایه اجتماعی در بردارنده ۱۵ گویه است، که میانگین طیف آن برابر است با ۴۵ است. میانگین مشاهده شده از کل گویه‌ها برابر با ۴۱/۵۵ است که از میانگین مورد انتظار (۴۵) کمتر است. در واقع، میزان سرمایه اجتماعی در بین طوایف ممسنی و رستم از میانگین مورد انتظار کمتر است.

همچنین در خصوص ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی میانگین واقعی بعد روابط اجتماعی ۱۰/۴۷ بیشتر از میانگین مورد انتظار (۹) است و دیگر ابعاد میانگین واقعی آنها کمتر از میانگین مورد انتظار می‌باشد.

## جدول ۶: داده‌های متغیر سرمایه اجتماعی

Table 6: Social Capital Variable Data

ابعاد سرمایه اجتماعی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین طیف	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
<i>Dimensions of Social Capital</i>	<i>Number</i>	<i>Average</i>	<i>The Standard Deviation</i>	<i>Average Spectrum</i>	<i>The Most</i>	<i>The Least</i>	<i>Crookedness</i>	<i>Elongation</i>
سرمایه اجتماعی	۴۱۳	۴۱/۵۵	۱۰/۳۴	۴۵	۱۵/۰۰	۷۵/۰۰	۰/۱۸۱	-/۰۵۱
اعتماد بین شخصی	۴۳۵	۸/۸۵	۳/۰۲	۹	۳/۰۰	۱۵/۰۰	۰/۰۵۴	۰/۷۵۸
هنجارمندی	۴۲۸	۷/۲۱	۲/۷۷	۹	۳/۰۰	۱۵/۰۰	۰/۴۲۵	-/۵۶۰
روابط اجتماعی	۴۳۷	۱۰/۴۷	۲/۸۲	۹	۳/۰۰	۱۵/۰۰	-/۵۹۱	۰/۱۵۵
مشارکت اجتماعی	۴۳۵	۷/۳۸	۳/۰۸	۹	۳/۰۰	۱۵/۰۰	۰/۵۰۳	۰/۳۶۸
اعتماد نهادی	۴۳۳	۷/۵۹	۲/۹۲	۹	۳/۰۰	۱۵/۰۰	۰/۰۸۲	-/۵۹۲

## یافته‌های استنباطی

نتایج آزمون پیرسون نشان داد که بین متغیر سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این رابطه با مقدار همبستگی  $-۰/۳۶۲$  و در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. با افزایش میزان سرمایه اجتماعی طوایف، واگرایی در بین آنها کاهش می‌یابد.

بین ابعاد سرمایه اجتماعی (بجز بعد هنجارمندی) و واگرایی طایفه‌ای رابطه منفی و معناداری وجود داشت. رابطه واگرایی طایفه‌ای با بعد اعتماد بین شخصی با مقدار همبستگی  $-۰/۲۳۰$ ، با بعد روابط اجتماعی با مقدار همبستگی  $-۰/۳۸۰$ ، با بعد مشارکت اجتماعی با مقدار همبستگی  $-۰/۳۹۶$  و با بعد اعتماد نهادی با مقدار همبستگی  $-۰/۲۷۰$  و در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. واگرایی طایفه‌ای بیشترین همبستگی را با بعد مشارکت اجتماعی ( $-۰/۳۹۶$ ) نشان داد.

همچنین در خصوص رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی با طوایف به‌طور جداگانه، بعد اعتماد بین شخصی با ضریب همبستگی  $-۰/۴۰۶$  بیشترین همبستگی را در طایفه بکش داشته است. بعد هنجارمندی در طایفه دشمن زیاری با همبستگی  $۰/۲۹$  رابطه مثبت و معناداری با سرمایه اجتماعی داشته است؛ می‌توان نتیجه گرفت که افزایش بعد هنجارمندی در طایفه دشمن زیاری باعث افزایش واگرایی طایفه‌ای شده است. بعد روابط اجتماعی بیشترین همبستگی را در طایفه بکش و کمترین همبستگی ( $-۰/۰۹۵$ ) را در طایفه رستم داشته است.

بعد مشارکت اجتماعی بیشترین همبستگی (۰/۵۴-) را در طایفه بکش و کمترین همبستگی (۰/۱۷) را در طایفه رستم با واگرایی طایفه‌ای داشته است. بعد اعتماد نهادی بیشترین همبستگی (۰/۴۰-) را در طایفه بکش و کمترین همبستگی (۰/۱۶-) را در طایفه ماهور میلانی با واگرایی طایفه‌ای داشته است.

جدول ۷: ضریب همبستگی سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای

Table 7: Correlation Coefficient of Social Capital and Tribal Divergence

وابسته	مستقل	بکش	رستم	جاوید	دشمن زیاری	ماهور میلانی	کل (واگرایی طایفه‌ای)
اعتماد بین شخصی	ضریب همبستگی	۰/۴۰۶-	۰/۳۲۴-	۰/۲۸۳-	۰/۲۸۱-	۰/۰۲۶	۰/۲۳۰-
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۴۴	۰/۰۵	۰/۸۵	۰/۰۰
هنجارمندی	ضریب همبستگی	۰/۱۱۳-	۰/۰۶۰-	۰/۰۰۳	۰/۳۹۸	۰/۱۷۲	۰/۰۲۶-
	سطح معناداری	۰/۲۹	۰/۵۸	۰/۹۸	۰/۰۴	۰/۲۱	۰/۰۶۲
روابط اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۵۱۱-	۰/۰۹۵-	۰/۲۷۷-	۰/۲۹۷-	۰/۲۲۱-	۰/۳۸۰-
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۱۰	۰/۰۰
مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۵۴۲-	۰/۱۷۳-	۰/۴۰۳-	۰/۲۱۷-	۰/۴۰۲-	۰/۳۹۶-
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۱۰	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۰۰	۰/۰۰
اعتماد نهادی	ضریب همبستگی	۰/۴۰۸-	۰/۱۹۶-	۰/۲۱۹-	۰/۲۸۰-	۰/۱۶۲-	۰/۲۷۰-
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۴۰	۰/۰۶	۰/۲۴	۰/۰۰
سرمایه اجتماعی کل	ضریب همبستگی	۰/۵۲۷-	۰/۲۴۸-	۰/۲۸۹-	۰/۲۱۸-	۰/۱۵۱-	۰/۳۶۲-
	سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۱۵	۰/۲۹	۰/۰۰

نتایج آزمون مقایسه میانگین نشان داد که میانگین میزان واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان تفاوت معناداری دارد. با توجه به مقدار میانگین‌ها می‌توان گفت که زنان واگرایی طایفه‌ای بیشتری نسبت به مردان دارند. همچنین به‌طور جداگانه تفاوت میانگین واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان در بین هر طایفه مورد بررسی قرار گرفت که بیشترین میانگین واگرایی طایفه‌ای در بین زنان مربوط به طایفه بکش (۶۳/۱۳) و کمترین میانگین مربوط به طایفه ماهور میلانی (۴۰/۶۰) است. همچنین بیشترین میانگین واگرایی طایفه‌ای در بین مردان مربوط به طایفه بکش (۵۹/۷۸) و کمترین میانگین مربوط به طایفه رستم (۴۹/۷۱) است.

جدول ۸: آزمون تی دو نمونه مستقل واگرایی طایفه‌ای بر اساس جنسیت

**Table 8: T-Test of Two Independent Samples of Tribal Divergence Based on Gender**

سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت		
Sig.	t	St. Deviation	Average	Number	Gender		
.۰/۰۰۳	۲/۹۸۴	۱۰/۶۶	۵۸/۶۵	۱۵۳	زن	واگرایی طایفه‌ای	
		۱۲/۴۳	۵۴/۹۵	۲۱۸	مرد		
.۰/۳۰۸	۱/۰۲۵	۱۲/۹۵	۶۳/۱۳	۳۰	زن	واگرایی طایفه‌ای	بکش
		۱۵/۳۷	۵۹/۷۸	۶۱	مرد		
.۰/۰۳	۲/۲۰	۸/۱۶	۵۴/۰۴	۴۲	زن	واگرایی طایفه‌ای	
		۱۰/۰۵	۴۹/۷۱	۴۶	مرد		
.۰/۲۳۷	۱/۱۹۱	۱۱/۰۲	۵۵/۸۱	۳۲	زن	واگرایی طایفه‌ای	
		۱۱/۲۷	۵۲/۸۷	۵۸	مرد		
.۰/۰۷	۱/۸۲۹	۸/۶۸	۶۳/۰۴	۲۳	زن	واگرایی طایفه‌ای	
		۸/۱۹	۵۸/۵۴	۲۴	مرد		
.۰/۲۴	۲/۳۲۴	۹/۰۴	۴۰/۶۰	۲۵	زن	واگرایی طایفه‌ای	
		۱۰/۳۴	۵۴/۲۰	۲۹	مرد		

برای بررسی تفاوت میانگین بین واگرایی طایفه‌ای بر حسب میزان تحصیلات از آزمون آنوا استفاده شد. همان‌طور که در جدول زیر نشان داده شده است، بین میزان واگرایی طایفه‌ای بر اساس تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد. افراد با تحصیلات راهنمایی و زیر دیپلم، بیشترین و افراد با تحصیلات فوق لیسانس و دکتری، کمترین میزان واگرایی طایفه‌ای را گزارش کرده‌اند. برای مقایسه تفاوت‌های درون‌گروهی، از آزمون تعقیبی *LSD* استفاده شد که نتیجه آن در ادامه آمده است.

جدول ۹: آزمون آنوا میانگین واگرایی طایفه‌ای بر حسب میزان تحصیلات

**Table 9: ANOVA Test of Tribal Divergence According to the Level of Education**

سطح معناداری	f	بیشترین	کمترین	خطای انحراف معیار	میانگین	تعداد	میزان تحصیلات
Sig.	f	The Most	The Least	St. Deviation Error	Average	Number	Level of Education
.۰۰۰	۷/۳۲۸	۸۵/۰۰	۴۸/۰۰	۱۳/۱۸	۶۰/۴۲	۱۴	بی‌سواد و ابتدایی
		۱۱۸/۰۰	۴۶/۰۰	۱۴/۹۵	۶۷/۰۳	۲۶	راهنمایی و زیر دیپلم
		۸۷/۰۰	۳۶/۰۰	۱۳/۱۱	۵۸/۹۸	۵۴	دیپلم
		۸۰/۰۰	۳۴/۰۰	۱۰/۷	۵۶/۷۱	۴۹	فوق دیپلم
		۸۶/۰۰	۳۱/۰۰	۱۰/۶۸	۵۵/۶۳	۱۵۳	لیسانس
		۸۲/۰۰	۲۸/۰۰	۱۰/۳۸	۵۲/۵۹	۹۰	فوق لیسانس و دکتری
		۱۱۸/۰۰	۲۸/۰۰	۱۱/۸۶	۵۶/۴۸	۳۷۱	کل

بین کسانی که راهنمایی و زیر دیپلم بودند با افرادی که دارای تحصیلات دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری هستند تفاوت معناداری در واگرایی طایفه‌ای در سطح خطا ۹۹ درصد وجود دارد. بین کسانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند با کسانی که دارای مدرک تحصیلی راهنمایی و زیر دیپلم، فوق لیسانس و دکتری هستند، تفاوت معناداری در سطح خطای ۹۹ درصد وجود دارد، بین کسانی که دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم هستند با کسانی که دارای مدرک تحصیلی راهنمایی و زیر دیپلم هستند، تفاوت معناداری در سطح خطای ۹۹ درصد وجود دارد و با کسانی که دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری هستند، تفاوت معناداری در سطح خطای ۹۵ درصد وجود دارد.

جدول ۱۰: نتیجه آزمون LSD واگرایی طایفه‌ای بر حسب میزان تحصیلات

**Table 10: The Result of the LSD test of Tribal Divergence According to the Level of Education**

سطح معناداری	تفاوت میانگین (۱ و ۲)	تحصیلات (۲)	تحصیلات (۱)
Sig.	Mean Difference (1 and 2)	Education (2)	Education (1)
۰/۱۷۴	۶/۶۰	بی‌سواد و ابتدایی	راهنمایی و زیر دیپلم
۰/۰۰	۸/۰۵	دیپلم	
۰/۰۰	۱۰/۳۲	فوق دیپلم	

سطح معناداری	تفاوت میانگین (۱ و ۲)	تحصیلات (۲)	تحصیلات (۱)
<i>Sig.</i>	<i>Mean Difference (1 and 2)</i>	<i>Education (2)</i>	<i>Education (1)</i>
۰/۰۰	۱۱/۴۰	لیسانس	دیپلم
۰/۰۰	۱۴/۴۴	فوق لیسانس و دکتری	
۰/۷۵	-۱/۴۴	بیسواد و ابتدایی	
۰/۰۰	-۸/۰۵	راهنمایی و زیر دیپلم	
۰/۳۱	۲/۲۶	فوق دیپلم	
۰/۰۶	۳/۳۴	لیسانس	
۰/۰۰	۶/۳۸	فوق لیسانس و دکتری	
۰/۴۲	-۳/۷۱	بیسواد و ابتدایی	فوق دیپلم
۰/۰۰	-۱۰/۳۲	راهنمایی و زیر دیپلم	
۰/۳۱	-۲/۲۶	دیپلم	
۰/۵۶	۱/۰۸	لیسانس	
۰/۰۴	۴/۱۱	فوق لیسانس و دکتری	

### رگرسیون چندگانه

جدول ۱۱ خلاصه مدل رگرسیون تبیین متغیر وابسته در شش مرحله را نشان می‌دهد. در این پژوهش، متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، جنس و میزان تحصیلات برای تبیین متغیر وابسته (واگرایی طایفه‌ای) وارد معادله رگرسیون شدند. لازم به ذکر است که متغیرهای اسمی به عنوان متغیرهای تصنعی وارد رگرسیون شدند.

از بین متغیرهای باقی‌مانده در معادله رگرسیونی، متغیر مشارکت اجتماعی با بتای ۰/۲۵- بیشترین تأثیر را بر متغیر واگرایی طایفه‌ای داشته است، یعنی با هر واحد افزایش در متغیر سرمایه اجتماعی به ۰/۲۵- از میزان واگرایی طایفه‌ای کاسته می‌شود. متغیر روابط اجتماعی با بتای ۰/۲۴- و اعتماد نهادی با بتای ۰/۱۱- بر متغیر واگرایی طایفه‌ای تأثیرگذار بودند. با توجه به جهت منفی رابطه، با هر واحد افزایش در بعد روابط اجتماعی به میزان ۰/۲۴- از میزان واگرایی طایفه‌ای کاسته می‌شود و با هر واحد افزایش در بعد اعتماد نهادی به میزان ۰/۱۱- از میزان واگرایی طایفه‌ای کاسته می‌شود. به‌طور کلی، متغیرهایی که در معادله رگرسیون باقی ماندند، با هم توانستند نزدیک به ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته واگرایی طایفه‌ای را تبیین کنند؛ همچنین مقدار دوربین واتسون به میزان ۱/۸۰ بود که شرط استقلال مشاهدات را تأیید می‌کند.



جدول ۱۱: خلاصه رگرسیون خطی چندگانه

Table 11: Multiple Linear Regression

مدل	مقادیر غیر استاندارد		مقدار استاندارد شده	t	سطح معناداری	F	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
	B	خطای انحراف معیار							
	Non-St. Values			T	Sig.	F	Correlation Coefficient	Coefficient of Determination	Adjusted Coefficient of Determination
	Beta	St.Deviation Error	B						
مقدار ثابت	۲/۵۳	۷۹/۹۴	-	۳۱/۵۴۶	۰/۰۰۰				
مشارکت اجتماعی	-۰/۲۰۷	-۱/۰۷	-۲/۵۸	-۵/۳۰۱	۰/۰۰۰	۶۱/۱۷۶	۰/۳۸۷	۰/۱۵۰	۰/۱۴۷
روابط اجتماعی	-۰/۲۰۹	-۱/۰۵	-۲/۴۶	-۵/۰۳۸	۰/۰۰۰	۴۷/۶۰۴	۰/۴۶۵	۰/۲۱۶	۰/۲۱۱
راهنمایی و دیپلم	۲/۱۲۷	۸/۱۸	۰/۱۷۵	۳/۸۴۸	۰/۰۰۰	۳۹/۷۳۴	۰/۵۰۷	۰/۲۵۷	۰/۲۵۰
زن	۱/۰۹۳	۴/۴۵۵	۰/۱۸۶	۴/۰۷۵	۰/۰۰۰	۳۵/۴۹۷	۰/۵۴۱	۰/۲۹۲	۰/۲۸۴
فوق لیسانس و دکتری	۱/۲۹۷	-۲/۴۶۱	-۱/۲۲	-۲/۶۶۹	۰/۰۰	۳۰/۶۰۴	۰/۵۵۵	۰/۳۰۸	۰/۲۹۸
اعتماد نهادی	-۰/۲۰۳	-۴/۵۱	-۱/۱۲	-۲/۲۲۰	۰/۰۲	۲۶/۶۱۷	۰/۵۶۴	۰/۳۱۸	۰/۳۰۶

**بحث و نتیجه گیری**

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی و گروهی برخوردار است. وجود این تنوع قومی به عنوان یک واقعیت تاریخی - سیاسی با شرایط جغرافیایی ایران گره خورده است. روابط بین اقوام همگرا یا واگرا در طول تاریخ در تبیین کیفیت و چگونگی انسجام ملی و منطقه‌ای نقش مهمی داشته است. منطقه ممسنی در استان فارس، از جمله مناطقی است که از تنوع طایفه‌ای برخوردار است. وجود ساختارهای طایفه‌ای در این منطقه، احساس تعلق به طایفه و در اولویت قرار دادن منافع طایفه‌ای از گذشته دور چالش برانگیز بوده است. در واقع، رفتارهای عشیره‌ای و طایفه‌ای در عصر جدید نوسازی و چارچوب ساختار مدرن کار ویژه سیاسی و اجتماعی پیدا کرده است. نمود آن را می‌توان در انتخاب سمت‌های اجرایی،

انتخابات مجلس و شورای شهر مشاهده نمود. وجود این نگرش و جهت‌گیری، امکان همگرایی بین طوایف گوناگون منطقه را کاهش داده است. این پژوهش برآن بود تا رابطه سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای را در منطقه ممسنی (شهرستان‌های ممسنی و رستم) از توابع استان فارس، تبیین نماید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سطح واگرایی طایفه‌ای، سرمایه اجتماعی است.

یافته‌ها نشان داد میانگین میزان واگرایی طایفه‌ای نمونه مورد بررسی از میانگین مورد انتظار بیشتر و میانگین میزان سرمایه اجتماعی از میانگین مورد انتظار کمتر بود. از میان ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی، میانگین بعد روابط اجتماعی از میانگین مورد انتظار، بیشتر بود و باقی ابعاد میانگین واقعی آنها کمتر از میانگین مورد انتظار بود. روابط متقابل محلی به‌ویژه با بستگان و ساکنان مناطق همجوار، همچنان در این منطقه وجود دارد.

تفاوت معناداری بین میانگین میزان واگرایی طایفه‌ای زنان و مردان وجود داشت به گونه‌ای که زن‌ها واگرایی بیشتری نسبت به مردان داشتند. نتایج این مطالعه با نظریه پاتنام درباره گستره تعاملی و ارتباطی انسان‌ها، هم‌راستایی دارد. از آنجایی که زنان در مناطق محلی و سنتی، از یک‌سو، از دامنه تعاملی فراخانواده‌ای کمتری در مقایسه با مردان برخوردارند و از سوی دیگر، به دلیل عواطف مادرانه نسبت به افراد درون گروه، زمینه بیشتری برای غیرت‌سازی افراد برون گروه و برون طایفه دارند، از واگرایی طایفه‌ای بیشتری در مقایسه برخوردارند. تعامل بیشتر مردان با افراد برون گروه و غیر خویشاوند، میزان مدارای آنها با گروه‌ها و طوایف دیگر را تقویت می‌نماید. این نتایج با پژوهش صفایی و همکاران (۱۴۰۰) مبنی بر تفاوت همگرایی قومی زنان و مردان و پژوهش ژو و یانگ (۲۰۲۲) درباره تأثیر تجربیات مختلف زندگی بر سطح واگرایی یا همگرایی اقوام همخوانی دارد.

بین میزان واگرایی طایفه‌ای بر حسب سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود داشت. افراد با تحصیلات راهنمایی و زیر دیپلم، بیشترین و افراد با تحصیلات فوق لیسانس و دکتری، کمترین میزان واگرایی طایفه‌ای را گزارش کرده‌اند. نتایج این مطالعه با نظریه پاتنام درباره گستره تعاملی و ارتباطی انسان‌ها، هم‌راستایی دارد. از آنجایی که افراد با سطح تحصیلات بالاتر از دامنه تعاملات محدود خانواده و خویشاوندان پراثرتر گذاشته و در ارتباط با نهادهای رسمی و غیر رسمی قرار می‌گیرند، در گروه‌های مختلف اجتماعی مشارکت می‌کنند، در واقع همان سرمایه اجتماعی پل‌زننده را دارند که ناهمگن‌تر بوده و شکاف اجتماعی متنوع‌تری را در بر می‌گیرد. پاتنام معتقد است که این نوع سرمایه اجتماعی در ارتباط با دارایی بیرون از شبکه برای توزیع اطلاعات کاربرد دارد. به‌عبارتی افراد با سطح تحصیلات بالاتر علت داشتن دانش و

آگاهی و ارتباط و مراوده با دیگر گروه و نهادها، واگرایی طایفه‌ای کمتری دارند. این نتایج با پژوهش صفایی و همکاران (۱۴۰۰) و لارنس (۲۰۱۱)، از رابطه معنادار میان سطح تحصیلات و همگرایی قومی همخوانی داشت.

نتایج نشان داد که بین متغیر سرمایه اجتماعی و واگرایی طایفه‌ای رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی به کاهش واگرایی اجتماعی با گروه‌های اجتماعی همچون طوایف منجر می‌شود. این نتایج با نظریه پاتنام مبتنی بر رابطه میان سرمایه اجتماعی و تنوع قومی و گروهی همخوانی دارد. پاتنام، شبکه‌های اجتماعی را یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌داند. شبکه‌ها، روابط بین افراد و تعاملات آنان، اعم از رسمی و غیر رسمی که درون هر جامعه اعم از سنتی و مدرن وجود دارد، منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌شوند. به باور پاتنام، شبکه افقی مشارکت در شبکه‌های مدنی، یکی از گونه‌های ضروری سرمایه اجتماعی است. هر چه این شبکه‌ها در جامعه قوی‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان در جهت منافع یکدیگر همکاری کنند. در جامعه‌ای که دارای تنوع قومی و گروهی است، گونه‌ای از غیریت‌سازی و مرزبندی نسبت به قومیت‌ها و گروه‌های دیگر وجود دارد. هر چه سطح اعتماد در جامعه افزایش یابد، همکاری و مشارکت میان افراد در آن جامعه تقویت می‌شود و هر چه ارتباط و مشارکت بیشتری میان گروه‌ها و افراد وجود داشته باشند، شناخت بیشتری درباره یکدیگر پیدا می‌کنند و اعتماد بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. وی معتقد بود، تنوع قومی موجب فرسایش سرمایه اجتماعی و عناصر آن، همچون اعتماد به نهادهای اجتماعی دولتی، مشارکت در نهادهای داوطلبانه و مشارکت در طرح‌های اجتماعات محلی می‌شود. این نتایج با یافته‌های باقری و همکاران (۱۴۰۱)، صفایی و همکاران (۱۴۰۰)، ایمان و همکاران (۱۳۹۷)، جزینی و همکاران (۱۳۹۷)، باصری و همکاران (۱۳۹۶)، نقدی و همکاران (۱۳۹۴)، وان و همکاران (۲۰۱۵) و پاز (۲۰۲۳) مبنی بر رابطه منفی و معنادار میان سرمایه اجتماعی و تنوع قومی و گروهی، همخوانی دارد و با نتایج سرور و همکاران (۱۳۹۳)، تاناکور و همکاران (۲۰۱۷)، همخوانی ندارد زیرا که نتایج پژوهش آنان نشان داد، بین تنوع قومی و سرمایه اجتماعی در روسیه رابطه معناداری وجود ندارد و پیوند بین تنوع قومی و سرمایه اجتماعی توسط ویژگی‌های منطقه‌ای مختلف تعدیل می‌شود.

یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در روابط فردی و بین‌گروهی سرمایه اجتماعی است. این متغیر گروه و افراد را قادر می‌سازد تا شبکه‌ای از روابط اجتماعی را ایجاد کنند. وجود سرمایه اجتماعی در مناطقی مثل شهرستان‌های ممسنی و رستم که دارای ساختار

طایفه‌ای است، می‌تواند شبکه‌ای از اعتماد و روابط متقابل را میان افراد این طوایف شکل دهد. مرادده اجتماعی می‌تواند طرز تلقی افراد را نسبت به طایفه‌های دیگر تغییر دهد و اعتماد متقابل را ایجاد کند. فضای بی‌اعتمادی، عامل تهدید کننده همگرایی بین این طایفه‌ها است در حالی که افزایش اعتماد زمینه ارتباط و مشارکت و همگرایی اجتماعی بین افراد طوایف را ایجاد می‌کند. طبق نتایج پژوهش هر چه سطح ارتباط و مشارکت اجتماعی در بین افراد طایفه‌های ممسنی و رستم افزایش یابد، واگرایی طایفه‌ای کاهش پیدا می‌کند. با توجه به کارکرد و اهمیت سرمایه اجتماعی در جامعه به‌ویژه در مناطق دارای تنوع و ترکیب قومی و طایفه‌ای، ضرورت دارد برای بهبود سرمایه اجتماعی در چنین مناطقی اهتمام ورزید. از آنجایی که سرمایه اجتماعی پدیده‌ای چند بعدی است، برای بهبود و تقویت سرمایه اجتماعی، تلاش و هم‌افزایی نهادهای گوناگون جامعه ضروری است. از آنجایی که، سرمایه اجتماعی عنصر مهمی برای هم‌افزایی و همگرایی گروه‌های اجتماعات محلی است، مدیریت رفتارها و سیاست‌هایی که به کاهش ابعاد سرمایه اجتماعی در جامعه می‌انجامد، همچون تبعیض اداری، جرائم اجتماعی و نبود شفافیت اقتصادی و اجتماعی، اقدامی ضروری است.

**Reference:**

- Ahmadi, H. (1996). Ethnicity and ethnocentrism in Iran, Tehran: Ney Publishing. (Persian).
- Bagheri, M., Nawah, A., & Shujaei Borjowi, H. (2022). "Structural modeling of cultural, social and political factors affecting inter-ethnic convergence in Ahvaz city", *Strategic Researches of Iran's Social Issues*, 11(3), 39-66. (Persian).
- Basri, A., Abbasian, Sh. Karimi, B. (2018). "The relationship between social capital and ethnic integration in West Azerbaijan province", *Crisis and Emergency Management Quarterly*, 9(34), 115-141. (Persian).
- Bayraktar, M. (2024). *Social Capital and Income Inequality: Findings From Selected High Income Countries*. Cukurova University. 1-25.
- Bourdieu, P. (2021). *La distinction: Critique sociale du jugement*. Translation: Hassan Chavoshian, Tehran, Iran: Third. (Persian).
- Chalabi, M. (1996). *Sociology of order: theoretical analysis of social order*, Tehran: Ni. (Persian).
- Claridge, T. (2018). "Functions of social capital-bonding", *bridging, linking*. *Social capital research*, 20(1), 1-7.
- Coleman, J. (2011). *Foundation of social theories*, Translation: Manouchehr Sabouri. Tehran, Iran: Ney Publishing. (Persian).
- Diemer, A. (2024). "Divided we fall? The effect of manufacturing decline on the social capital of US communities", *Journal of Regional Science*, 64(1), 80-107.
- Dinesen, P.T., Schaeffer, M., Sonderskov, KM. (2019). *Ethnic Diversity and Social Trust-Meta-Analysis*. Projecthosted at <https://osf.io/aecs2/>.
- Dinesen PT, S. K. M. (2015). "Ethnic diversity and social trust: evidence from the micro-context", *Am.Sociol. Rev.* 80(3):550-73.
- Durkheim, A. (2014). *Lang-fr, De la division du travail social*, Translation: Bagher Parham .. Tehran: Central Publishing. (Persian).
- Fukuyama, F. (2021). *Trust (social virtues and creation of happiness)*. Translation: Seyyed Alireza Beheshti Shirazi, Tehran, Iran: Rozhan.

Fukuyama, F. (2000). *The end of the order of checking social capital and maintaining it*. Translated by Gholam-Abbas Tavasli. Tehran: Jamia Iranian Publishing House. (Persian).

Gorjizadeh, M., Golperor, M. (2011). "The effect of local characteristics of political culture on election contests in Iran (case study, Mamsani city)", *Political Sociology Monthly*, 9, 161-170. (Persian).

Habibi Fahlani, H. (1992). *Mamsani in the passage of history*, published by Navid Shiraz. (Persian).

Hanifan, L. J. (1916). "The Rural School Community Center", *Annual of the American Academy of The Political and Social Science*, 67(1), 130-138.

Jacobs, K., & Kemp, J. (2002). "Exploring accounting presence and absence: case studies from Bangladesh", *Accounting, Auditing & Accountability journal*, 15(2), 143-161.

Jazini, A. R., Gazmeh, A.R., Rezaei, G.H. (2018). "Identifying the factors affecting the promotion of national solidarity with the approach of strengthening social capital", *Police Science Research*, 79(20), 221-249. (Persian).

Jezini, A.R., Gazmeh, A.R., & Rezaei. (2018). "Identifying the factors affecting the promotion of national solidarity with the approach of strengthening social capital", *Police Science Research*, 79(20), 221-249. (Persian).

Krishna, A., Schrader, E. (1999). *The social capital tool assessment*. In World Bank Conference on Social Capital and Poverty Reduction, Washington, DC. Available at <http://pverty.worldbank.org/library/view/8151/> (Accessed September 12, 2004).

Laurence, J. (2011). "The effect of ethnic diversity and community disadvantage on social cohesion: A multi-level analysis of social capital and interethnic relations in UK communities", *European sociological review*, 27(1), 70-89.

Maghsoudi, M. (2001). *Ethnic changes in Iran, causes and contexts*, Tehran: Institute of National Studies. (Persian).

Mirfardi, A. (2000). *The modernization and its consequences in Mamasani County (1921-1999)*. MA thesis in Sociology, Shiraz University.

- Mirfardi, A., Valinezhad, A. (2019). "The relationship between social capital and religiosity among Yasouj University students", *Ma`rifat-e Farhangi Ejtemai*, 10(2), 93-113. (Persian).
- Miyamoto, J., Nakazawa, M. (2024). Community resilience of women in rural areas of Lempira in the Republic of Honduras. *Población y Salud en Mesoamerica*.
- Mohammadi, H., Mousavi Moghadam, S.M. (2022). "Explaining the principles of managing social differences from the perspective of the Qur'an and its role in managing social capital", *Social capital management*, 9(1), 23-48. (Persian).
- Naqdi, A., Ahmadi, A., Soltani Ezzat, M. (2014). "Sociological investigation of the degree of ethnic convergence (Persian, Turkish, Lor) in Hamadan province Social analysis of social order and inequality", *Journal of Social Analysis*, 7(1), 131-145. (Persian).
- Olsson, A., Ebert, J. P., Banaji, M. R., & Phelps, E. A. (2005). The role of social groups in the persistence of learned fear. *Science*, 309(5735), 785-787.
- Paz, S. (2023). Long Run Consequences of Ethnic Conflict on Social Capital: Evidence from South Africa. *Documento CEDE*, (31).
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditional in Modern Italy*, Princeton University Press.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam, R. (2007). *E Pluribus Unum: Diversity and Community in the Twenty-first Century*, The 2006 Johan Skytte Prize Lecture, *Scandinavian Political Studies*, Vol. 30, No. 2, PP 137- 174.
- Rahmanzadeh Heravi, M. (2013). *Race, nation and nation in Iran*, Tehran: Adine book. (Persian).
- Romina, A., Sadeghi, V. (2015). Examining the effect of tribalism on the voting pattern; Case study: Noorabad Mamsani city. *International Quarterly of Geopolitics*, 11(39), 84-116. (Persian).
- Saeif Elahi, S., Bastami A. (2015) Social factors influencing the diversity of ethnic groups in Ilam province (Study case: Dareshahr city). *Sociological studies of Iran*. (15). 26-9. (Persian).
- Safai, A., Behian, Sh., Jahanbakhsh, A. (2021). "Sociological investigation of the role of political and social factors (ethnic schemas) affecting the creation of ethnic convergence among ethnic

groups living in Ahvaz city”, *Political Sociology Monthly*, 4(4), 390-405. (Persian).

Salehi Amiri, Sr. (2006). “Managing ethnic diversity based on social capital theories”, *Strategy*, 40(1), 37-50. (Persian).

Sampson, R. J. & Graif, C. (2009). “Neighborhood social capital as differential social organization: Resident and leadership dimensions”, *American Behavioral Scientist*, 52, pp. 1579-1605.

Sampson, R. J., Graif, C. (2007). *Elite community structures and community wellbeing*. Cambridge, MA: Harvard University, Department of Sociology.

Santos, A. S., Reis Neto, M. T., Verwaal, E. (2018). “Does cultural capital matter for individual job performance? A large-scale survey of the impact of cultural, social and psychological capital on individual performance in Brazil”, *International Journal of Productivity and Performance Management*, 67(8), 1352-1370.

Schaefer-McDaniel, N. J. (2004). “Conceptualizing social capital among young people: Towards a new theory”, *Children youth and environments*, 14(1), 153-172.

Seibert, S. E., Kraimer, M. L., Liden, R. C. (2001). “A social capital theory of career success”, *Academy of management journal*, 44(2), 219-237.

Sejasi gheidari, H., Portahiri, M., Sadeghi, V., Hosseini, M. (2015). “Analysis of the relationship between tribalism of local communities and political development in electoral conditions”, *Geography and Regional Development*, 14(1), 19-46. (Persian).

Seror, R., Mousavi, M. N. and Bagheri Kashkouli, A. (2013). “Analysis of the relationship between social capital and the feeling of ethnic integration in the city of Urmia (case study: Kurds and Turks)”, *scientific-research quarterly of new attitudes in human geography*, 7(1), 69-87. (Persian).

Shao, Z., Pan, Z. (2019). *Impact of interactivity on Guanxi network building in the Wechat moments: A social capital perspective*.

Singh, S. K., Mazzucchelli, A., Vessal, S. R., Solidoro, A. (2021). “Knowledge-based HRM practices and innovation performance: Role of social capital and knowledge sharing”, *Journal of International Management*, 27(1), 100830.



- Smith, A. D. (2013). *Nationalism (theory, ideology, history)* Vol. 1, translated by: Mansour Ansari, Tehran: Institute of National Studies. (Persian).
- Svendsa. A. (2006). *Foundations of social theory*, Cambridge mass: Harvard university press.
- Tatarko, A., Mironova, A., & Van De Vijver, F. J. (2017). "Ethnic diversity and social capital in the Russian context", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 48(4), 542-559.
- Troise, C., Tani, M., & Jones, P. (2020). "Investigating the impact of multidimensional social capital on equity crowdfunding performance", *International Journal of Information Management*, 55, 102230.
- Vaughan, S., Sanders, T., Crossley, N., O'Neill, P., Wass, V. (2015). "Bridging the gap: the roles of social capital and ethnicity in medical student achievement", *Medical Education*, 49(1), 114-123.
- Zarghani, S.H., Sadeghi, V., Hosseini, S.M. (2019). "Explaining the relationship between tribalism and socio-political demarcation", *Space Political Analysis*, 1(4), 239-251. (Persian).
- Williams, J. L., Cubukcu, S., Sadri, M., Rodeheaver, D. G., & Akhter, M. (2022). "Social Capital and Delinquency in Bagcilar, Turkey", *International Criminal Justice Review*, 32(2), 225-244.
- Williams, T., McCall, J., Berner, M., & Brown-Graham, A. (2022). "Beyond bridging and bonding: the role of social capital in organizations", *Community Development Journal*, 57(4), 769-792.
- Williams, V. M. (2022). *The Many Sides of Social Capital: How Social Capital Is Related to Entrepreneurship?* (Doctoral dissertation, City University of New York Bernard Baruch College).
- Zarghani, H., Sadeghi, V., Hosseini, M. H. (2019). "Explaining the relationship between tribalism and socio-political demarcation (case study: Mamsani city)", *Space Political Analysis*, 1(4), 239-251.
- Zhang, W. (2022). Social capital, income and subjective well-being: evidence in rural China. *Heliyon*, e08705.
- Zhou, M., Yang, A. Y. (2022). "Divergent experiences and patterns of integration: contemporary Chinese immigrants in metropolitan Los Angeles, USA", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 48(4), 913-932.

## Investigating the Relationship between Social Capital and Tribal Divergence in Mamsani and Rostam Counties

Soheila Lashkari<sup>1</sup>, Asghar Mirfardi (Ph.d)<sup>2</sup>  
Habib Ahmadi (Ph.D)<sup>3</sup>, Aliyar Ahmadi (Ph.D)<sup>4</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2024.46180.2924

### Abstract:

Traditional communities are faced with local divergence and convergence. Considering the diversity of tribes in Mamsani and Rostam cities, this article examines the relationship between social capital and its dimensions with tribal divergence in the Mamsani and Rostam counties in 2022. Using the survey method, a structured questionnaire used for data collection. The study sample was 450 residents of Mamsani and Rostam counties that selected using a multi-stage cluster random sampling method. The factor analysis and Cronbach's alpha used to evaluate the validity and reliability of the questionnaire, respectively. The data collection tool was a standard questionnaire. To measure social capital, the questionnaire of Mirfardi and Valinejad (2018) was used, and to measure tribal divergence, the researcher-made questionnaire was used. Face validity was used to measure the validity of the questionnaire and internal consistency using Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of the questionnaire. Data were analyzed using SPSS software. The findings showed that there is a significant negative relationship between social capital and tribal divergence. The findings showed that there is a significant negative relationship between social capital and its dimensions (except normativeness) and tribal divergence. Social capital components (interpersonal trust, normativeness, social relations, social participation and institutional trust) showed different relationships with tribal divergence among the tribes living in Mamsani and Rostam cities. Given there was significant difference between the tribal divergence of women and men, and significant difference was observed between the tribal divergence according to education and people with higher education had less tribal divergence. Multivariate regression of the independent variables explained nearly 31% of the variance of the dependent variable.

**Key Concepts:** Social Capital, Tribal Divergence, Mamsani County, Rostam County

<sup>1</sup> PhD student of sociology at University Shiraz, Shiraz, Iran lashkari36@yahoo.com

<sup>2</sup> Associate Professor of Sociology at Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), amirfardi@shirazu.ac.ir

<sup>3</sup> Professor of Sociology at Shiraz University, Shiraz, Iran, ahmadi@rose.shirazu.ac.ir

<sup>4</sup> Associate Professor of Sociology at Shiraz University, Shiraz, Iran, ahmadi.aliyar@gmail.com

